

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقدمه‌ای از مرحوم نائینی(ره) در جواب از عبادات مکروهه

مرحوم نائینی(قدس سره) بعد از اینکه جواب مرحوم آخوند(ره)، در قسم اول از عبادات مکروهه را نپذیرفته‌اند، خودشان جوابی را عنوان کرده و آن را بر مقدمه‌ای مبتنی کرده‌اند، که در مواردی که يك فعل استحبابی وجود دارد، که تبعاً خودش دارای امر هست، اگر امر دیگری عارض شود، دو صورت دارد؛ یا امر دیگر به عین آنچه که امر استحبابی اول به آن تعلق پیدا کرده، تعلق پیدا می‌کند و یا اینکه به غیر او تعلق پیدا می‌کند.

برای مورد اول مثال زده‌اند به جایی که، کسی انجام يك عمل مستحبی را نذر کند، مثلاً کسی اتیان نماز شب را نذر کند، در اینجا این امری که به نذر تعلق پیدا کرده، «اوفوا بالنذور»، درست تعلق پیدا می‌کند به آنچه که، امر استحبابی به آن تعلق پیدا کرده‌است. یعنی این امر نذری که عنوان وجوبی دارد، به صلاه لیل تعلق پیدا می‌کند، در چنین موردی، چون عقل می‌گوید: محال است که، شیء واحد متعلق برای دو حکم قرار گیرد. چه آن دو حکم ضدین یا مثلین باشند، محال است شیء واحد متعلق برای دو حکم قرار گیرد.

طبق این برهان عقلی؛ باید قائل به اندکاک و تداخل شویم. به این معنا که این دو امر، تداخل پیدا می‌کند و از این دو، يك امر واحد وجوبی مؤکد تولید می‌شود. یعنی این امر استحبابی، در اثر اینکه از ناحیه نذر، يك امر وجوبی آمده، اکتساب وجودیت می‌کند و از آنطرف «اوفوا بالنذور»، عنوان تعبدی ندارد، اگر يك نذری کردید و می‌خواهید به نذرتان وفا کنید، این عنوان واجب تعبدی نیست، بلکه از این امر استحبابی، تعبدیت و عبادیت را اکتساب می‌کنیم.

پس امر استحبابی از امر وجوبی، وجوب را و امر وجوبی از امر استحبابی تعبدیت را اکتساب می‌کند. از این دو امر که در یکدیگر مندرک شده‌اند، امر دیگری، بنام امر وجوبی عبادی متولد می‌شود.

اما در قسم دوم که آن امر طاری، به عین آنچه که امر استحبابی به آن تعلق پیدا کرده، تعلق پیدا نمی‌کند و متعلق امر طاری با متعلق امر استحبابی جدای از یکدیگر است، مثال زده‌اند به جایی که کسی را اجیر کنند، بر اینکه مثلاً از طرف می‌تی، عمل استحبابی مانند حج استحبابی را انجام دهد و یا از طرف زنده‌ای، يك حج استحبابی انجام شود، در اینجا متعلق امر استحبابی حج است، اما امری که از ناحیه اجاره می‌آید، متعلقش آن حج نیست، بلکه متعلقش این است که، عمل را از جانب منوب عنه انجام دهد، متعلق امر اجاری «اتیان العمل من قبل المنوب عنه» است.

اصلاً عقلائی نیست که کسی به دیگری پول بدهد، که فقط يك حج استحبابی انجام دهد، غرض عقلائی به آن تعلق پیدا نمی‌کند. در باب اجاره چون در تعریفش می‌گوییم: «تمليك المنفعة»، اگر بخواهد حقیقت اجاره در اینجا واقع شود، باید این حج استحبابی، از طرف منوب عنه انجام شود، لذا امر موجود از ناحیه اجاره، متعلقش خود حج استحبابی نیست، اگر نایب هم، بدون اینکه قصد منوب عنه را کند، يك حج استحبابی انجام دهد، فایده‌ای ندارد و غرض عقلائی به آن تعلق پیدا نمی‌کند. پس متعلق امری که از ناحیه اجاره می‌آید، حج نیست، بلکه «اتیان الحج من قبل المنوب عنه» است، پس دو متعلق می‌شود.

مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: در اینجا که این امر طاری متعلق، جدای از متعلق دیگر دارد، اندکاک معنا ندارد و معقول نیست،

در قسم اول چون امر طاري، متعلقش درست همان متعلق امر استحبابي است، اندكاك مما لايد منه است، به خاطر همان نکته عقلي كه بيان شد.

جواب نائيني (ره) از قسم اول در عبادات مكروهه

بعد از اين مقدمه فرموده‌اند: ما نحن فيه از همين قسم دوم است.

اشكال در قسم اول عبادات مكروهه، - البته اين قسم اول در كفايه، در كلام مرحوم نائيني (ره) به عنوان قسم سوم ذكر شده و عنوانش اين است كه، نهي به ذات عبادت تعلق پيدا كند - اين است كه صوم يوم عاشورا، امر استحبابي دارد و نهي هم به خود اين صوم تعلق پيدا کرده و اين امر به نقيضين است.

آنوقت مرحوم نائيني (ره) در مقام حلق فرموده‌اند: در اینجا امر استحبابي، متعلقش صوم است و نهي متعلق ديگري دارد، كه تعبد به اين صوم است. تعبيرشان اين است كه، اگر كسي به اين صوم تعبد پيدا كرد، تعبد به اين صوم، متعلق براي نهي است. چون متعبد به اين صوم، تشبه به بني‌اميه پيدا مي‌كند، لذا اين تعبد متعلق براي كراهت و نهي است. لذا نائيني (ره) فرموده‌اند: به نظر ما نهي در اين صوم يوم عاشورا، همان معنای اصطلاحی خودش را دارد، يعني در متعلقش مفسده‌اي باشد.

طبق بياني كه ذكر شد؛ در متعلق نهي كه عبارت از تعبد است، مفسده وجود دارد، اصل صوم يوم عاشورا كه براي ما تشبه به كفار و بني‌اميه نمي‌آورد، بني‌اميه نسبت به صوم يوم عاشورا، تعبد خاصي داشته‌اند. مثل اينكه - حالا از باب مثال عرض مي‌كنم و الا خيلي فاصله هست - نسبت به صوم يوم غدیر يك تعبد خاصي داريم.

لذا نائيني (ره) فرموده‌اند: اصل صوم يوم عاشورا متعلق استحباب است و بين روزه اين روز و روزه ساير ايام، از نظر حقيقت و استحبابيت صوم، فرقي وجود ندارد، لكن آنچه كه متعلق براي نهي است، تعبد به اين صوم است، چون سر از تشبه در مي‌آورد. طبق كلام مرحوم نائيني (ره)، ولو اينكه خودشان هم تصريح فرموده‌اند، اگر كسي اصلاً خبر ندارد كه بني‌اميه در چنين روزه روزه مي‌گيرند، يعني آن تعبدي را كه بني‌اميه دارند، تبعاً ندارد، عملش، فقط عمل استحبابي محض مي‌شود. آنچه كه متعلق براي نهي است، تعبد به اين صوم است، چون بني‌اميه نسبت به صوم يوم عاشورا تعبد دارند.

باز روي اين كلمه تعبد عنايت كنيد، نه اينكه بگوئيم: آنها كه اين را انجام مي‌دهند، علاوه بر انجام دادن، يك عنايت خاصي هم نسبت به روزه روز عاشورا دارند.

پس فرق بين كلام مرحوم نائيني و آخوند (قدس سرهما) در اين شد كه، مرحوم آخوند (ره) طوري راه حل ارائه داده، كه نهي و كراهت در معنای حقيقي خودش استعمال نمي‌شود، اما طبق بيان مرحوم نائيني (ره) كراهت و نهي در همان معنای حقيقي خودش، كه در متعلق نهي مفسده وجود داشته‌باشد، استعمال شده‌است.

نقد و بررسي جواب مرحوم نائيني (ره)

در اینجا نسبت به مقدمه‌اي كه مرحوم نائيني (ره) ارائه کرده و هم نسبت به جوابي كه در ما نحن فيه داده‌اند، اشكالاتي وجود دارد و امام (رضوان الله عليه) در كتاب منهاج الوصول؛ چندین اشكال بر مرحوم نائيني (ره) داشته‌اند.

اشكال اول به اين جواب مرحوم نائيني (ره)

اولين اشكال كه به اين بيان ذكر مي‌كنيم و هر كه اين كلام را ببيند، اين اشكال به ذهنش مي‌رسد اين است كه، چه نيازي به ذكر اين مقدمه بود. شما در مقام اين هستيد كه بگوئيد: متعلق نهي، با متعلق امر استحبابي، دو متعلقند، اما چه نيازي بود كه اين مقدمه را بيان كنيد و بگوئيد: گاهي اوقات اندكاك به وجود مي‌آيد و گاهي به وجود نمي‌آيد. لزوم و عدم لزوم اندكاك، دخلي در ما

نحن فيه ندارد.

شما در ما نحن فيه می‌گویید: نهی متعلق و امر هم متعلق دیگری دارد و نهی را هم بر همان معنای حقیقی خودش حمل می‌کنید، که این تعبیر، دیگر در کلام امام(ره) نیست.

اشکال دوم به این جواب مرحوم نائینی(ره)

با قطع نظر از این اشکال، اشکال دیگری که در اینجا وجود دارد این است که، در همان مورد اولی هم که در مقدمه بیان شده، متعلق دوتاست، مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: بین تعلق نذر به صلاه لیل و بین اینکه کسی را بر يك عمل استحبابی اجاره کنند، فرق است.

حال يك مقدار مثالها را نزدیکتر بزنیم، بین تعلق نذر به حج استحبابی و بین اینکه بر انجام حج استحبابی اجیر شود، فرق وجود دارد. در بیان فرق فرموده‌اند: در باب نذر، آن امری که از ناحیه نذر می‌آید، تعلق پیدا کرده به عین آنچه که، امر استحبابی به او تعلق دارد، اما در اجاره و امری که از ناحیه اجاره می‌آید، متعلقها دو تاست.

اشکال این است که، در همان نذر هم، متعلقها دوتاست، کسی که حج استحبابی را نذر می‌کند، متعلق امر استحبابی خود حج است و متعلق نذر و امری که از ناحیه نذر می‌آید، وفاء به نذر است.

بله مکلف در عالم خارج وقتی حج را انجام می‌دهد، این حج، هم عنوان و مصداق حج استحبابی را دارد و هم اینکه مصداق برای وفاء به نذر است، ولی دو متعلق است. امری که از ناحیه نذر می‌آید، به وفاء به نذر تعلق پیدا می‌کند. «اوفوا بالنذور» یعنی «يجب عليك الوفاء بالنذر»، متعلق وجوب، وفاء به نذر است، اما متعلق امر استحبابی، حج است، یا در مثال نماز لیل، متعلق امر استحبابی، صلاه لیل است.

ثمرات این دو مبنا در فقه

این يك بحث بسیار خوبی است، که در خیلی جاهای فقه هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، طبق کلام مرحوم نائینی(ره)، در باب اینکه نذر، به يك عمل مستحبی تعلق پیدا کند، که قائل به اندکاک و تداخل شده‌اند، پس کسی که می‌خواهد نماز شب بخواند، طبق نظر ایشان، باید نیت وجوب کند، چون ایشان فرموده: آن امر نذری با این امر استحبابی، اندکاک در یکدیگر پیدا می‌کنند و «یتولد منهما امر آخر»، يك امر وجوبی دیگر از این دو متولد می‌شود، لذا کسی که نذر کرده، باید صلاه اللیل را به قصد وجوب بخواند.

اما طبق این بیان امام(رضوان الله علیه)، که شبیه این بیان در کلمات مرحوم بروجردی(قدس سره) هم وجود دارد، در اینجا امر به همین صلاه اللیل تعلق پیدا کرده، وقتی هم که نذر می‌کند، وجوب به صلاه تعلق پیدا نمی‌کند، بلکه وجوب به وفاء به نذر تعلق پیدا می‌کند و لذا طبق این مبنا، باید این شخص که نماز شب را می‌خواند، به همان نیت استحبابی بخواند. بله، اگر نماز شب نخواند، عصیان کرده و با آن وجوب وفاء به نذر مخالفت کرده‌است، که در این صورت هم، نمی‌گویند: صلاه واجب را ترک کرد، بلکه می‌گویند: با وجوب وفاء به نذر مخالفت کرد.

اشکال سوم به این جواب مرحوم نائینی(ره)

اشکال دیگری که امام(ره) فرموده‌اند این است که: اصلاً نفهمیدیم، این که مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: اینجا دو امر، - امر نذری و امر صلاتی - از یکدیگر اکتساب می‌کنند، معنای اکتساب چیست؟ این که گفته‌اید: از این دو امر، يك امر جدید متولد می‌شود، معنایش چیست؟ این که از دو امر شارع، يك امر دیگری متولد شود، معنا ندارد. «بای دلیل و ای جبه یکتساب الامر غیر العبادي العبادیه؟» به چه ملاکی بگوییم: آن امر نذری، عبادیت را اکتساب می‌کند و امر استحبابی، وجوب را به دست می‌آورد.

فرموده‌اند: طبق ملاك عقلي مي‌گوييم: «الشيء لا يقلب اما هو عليه»، اگر در جايي مي‌گوييم: اين امر، امر استحبابي است، ديگر امکان ندارد كه، تبديل به وجوبي شود. اگر در جايي امري، امر غير عبادي است، امکان ندارد كه خود اين امر غير عبادي، عبادي شود، تولد يك شيء ثالث معنا ندارد.

در آخر اين اشكال دوم، با اينكه من در كلمات امام(ره) خيلي كم اين تعابير را ديدم و واقعاً بايد براي ما هم، درس باشد كه عجيب نسبت به نظرات بزرگان با تواضع و احترام رفتار مي‌کردند، مخصوصاً نسبت به مرحوم نائيني(ره) اينچنين‌اند. اينجا كه رسيده‌اند، فرموده‌اند: «و لعمرى ان هذا شبه بالشعر منه بالبرهان» اين فرمايش مرحوم نائيني(ره) در اين بحث، شبهه به شعر است، تا اينكه بخواهد دليل و برهان باشد.

واقعاً هم همينطور است، به چه ملاكي مي‌توانيم بگوييم: اين دو امر، منك در يك شيء شوند، اندكاً پيدا كنند و يك امر ثالثي در اينجا متولد شود، اصلاً هيچ دليل و وجهي براي اين معنا نيست. تنها چيزي كه مرحوم نائيني(ره) فرموده اين است كه، اين امر نذري، درست به عين آنچه امر استحبابي به آن تعلق دارد، تعلق پيدا کرده‌است.

عقل مي‌گويد: يك شيء واحد، نمي‌تواند دو حكم داشته باشد، پس اگر دو حكم ندارد، بايد يا قاعده تراحم و يا تعارض را جاري كنيم و بالاخره يكي را بايد از ميدان خارج كنيم، نه اينكه بگوييم: اين دو دست به دست هم مي‌دهند، تداخل و اندكاً پيدا مي‌كنند و يك شيء ثالثي متولد مي‌شود.

حالا باز دو اشكال ديگر هم هست، كه فردا عرض مي‌كنيم و اين قسمت اول را تمام مي‌كنيم ان شاء الله.

وصلّى الله على محمد و آله الطاهرين